

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۱۰

۱۳۹۶/۰۱/۲۸

■ تبعیت از حق، تنها راه نجات

■ تبعیت، مقامی که هر کسی به آن نمی‌رسد

■ سه ویژگی پیامبران

۱. سرعت در کار خیر

۲. ستایش و نیایش با خداوند

۳. فروتنی

■ رابطه‌ی خشوع و تبعیت

■ رعایت پیمان‌ها، یکی از نشانه‌های تبعیت از قرآن

■ هدایت و شفای حقیقی در قرآن است

■ نکته‌ای از زیارت رجبیه

■ انعکاس اسم «الرحیم» خداوند در قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمجد

مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ».
چه توفیق بزرگی پیدا کرده ایم
که در فضای این دعای نورانی
تنفس می کنیم. این دعا، عالم
دیگری دارد و من این را جزء
الطاف بزرگ الهی می دانم که
قبل از رسیدن به ماه مبارک
رمضان، فرصت آشتی با قرآن
برایمان فراهم شده است. خدای
متعال را شاکریم و امیدوارم این
چند جلسه که در سایه سار
این درخت پرثمر و پرشاخ و
برگ دعای ۴۲، فیض و بهره
می بریم، توجه ما به قرآن کریم
بیشتر شده باشد و از رهگذر
این کلمات عالیات و جلوه های
قرآن ناطق، بیش از گذشته، برای
ما از قرآن صامت پرده برداری
شده باشد. باید با همین همت
ادامه دهیم و در کلمات امام
(علیه السلام) درنگ و تأمل کنیم
و دل و جان خود را بدهیم تا
بیش از گذشته برای استضاءه

«وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ
أَعْتَبْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي
أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا
عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ
عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ. وَ
فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ
حَرَامِكَ، وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ
شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَ كِتَابًا فَضَّلْتَهُ
لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ
عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ - تَنْزِيلًا. وَ جَعَلْتَهُ
نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ
وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ
أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَيَّ
اسْتِمَاعِهِ، وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ
عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ، وَ نُورَ هُدًى
لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانَهُ، وَ
عَلِمَ نَجَاةً لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ
سُنَّتِهِ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ

از انوار قرآن کریم مهیا شویم. به صراحت در خود قرآن کریم مطرح شده و فرموده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ [۱] بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بخشد». شما مدعی هستید که خدای متعال را دوست دارید. اگر راست می‌گویید و صادق هستید، از من تبعیت کنید تا به مرحله‌ای دست یابید که خدا شما را دوست بخشد. کلمه‌ی «فَاتَّبِعُونِي» به یک ادعا یا آرزو اشاره می‌کند. خوش بینانه‌اش آن است که آرزو است و بدبینانه‌اش آن است که ادعا باشد.

تبعیت از حق، تنها راه نجات

«وَجَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْتَدِي بِهِ مِنَ الظُّلُمِ الضَّالَّةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ».

آنچه ما را به مقصد می‌رساند، تبعیت است؛ یعنی انسان مهیا شود تا پیروی کند و دل و فکر و جان خود را به قرآن کریم بسپارد. این تبعیت، راهگشا و غایت است. اگر انسان به مقام تبعیت برسد، به حقیقت هدایت قرآنی دست یافته است. در مورد قرآن ناطق، مسئله

همه‌ی قرآن در واقع مقول قول است و یک «قُل» در تقدیر دارد اما در برخی سوره‌ها یا آیات، این واژه بیان شده است. آیات مقلقل - آیاتی که با قتل شروع می‌شود - در بر گیرنده‌ی

این تبعیت، جان کلام است و همه‌چیز به آن برمی‌گردد.

تبعیت، مقامی که هر کسی به آن نمی‌رسد

در این دعای نورانی، امام (علیه السلام) ما را در همین افق، ذیل شاخص برجسته قرار می‌دهد که عبارت از تبعیت قرآن کریم باشد. خواندن، تفکر و انس با قرآن مقدمه‌ی تبعیت است. در مورد انسان کامل، این تبعیت با یک تعبیر زیبا، یعنی تشیع بیان شده است: «شِيعَتْنَا مَنْ شِيعَنَا وَ تَبِعَنَا فِي أَعْمَالِنَا»؛ [۴] شیعیان ما کسانی هستند که در اعمال و رفتار از ما پیروی می‌کنند». گام برداشتن پشت سر کسی، تشیع است؛ همان‌طور که در مورد جنازه، تشیع جنازه می‌گویند. شیعه بودن مقام بسیار والایی دارد و اصلاً قابل مقایسه با مقام محبت

پیام‌های بسیار جدی‌تری هستند. باید برای این آیات حساب ویژه‌ای باز کرد؛ زیرا جای درنگ و تأمل بیشتر است.

در آیه‌ی مورد بحث هم همین‌گونه است. خدای متعال فرموده اگر راست می‌گویید و آرزوی آن را دارید که خدا را دوست بدارید، نشانه‌ی صدق شما، تبعیت است؛ پس از من تبعیت کنید تا حاصلش آن شود که از مقام محبّ الهی به مقام محبوب الهی پرواز کنید. «يُحِبُّكُمْ اللَّهُ» محبت خاص است و از قبیل «اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ [۲] خداوند شکیبایان را دوست دارد» و «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ [۳] خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد» و امثال آنها است. راه ورود به دایره‌ی محبت خدای تعالی، تبعیت از پیامبر اسلام معرفی شده است.

امام سجاد (علیه السلام) فرموده‌اند: «وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ»؛ آنچه ما را از تمام لایه‌های تاریکی در شبهات و شهوات نجات می‌دهد و راهنمای ما می‌شود و دست ما را می‌گیرد، تبعیت از نور قرآن کریم است.

سه ویژگی پیامبران

خدای متعال در ماجرای فرزندان زکریا (علیه السلام)، در تعبیر بسیار جالبی می‌فرماید: «أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ»؛ [۶] همسرش را برای او شایسته کردیم. ان‌شاءالله که خدای متعال، شما را برای همسرانتان و همسرانتان را برای شما اصلاح نماید؛ اگر این اتفاق رخ دهد، امید است که اصلاح نژاد رخ دهد و فرزندان شما، از هر دو شما بهتر شوند. زکریا گفت: خدایا!

نیست. خیلی‌ها محب علی ابن ابیطالب (علیه السلام) هستند؛ اما از شیعه بودن دور هستند. افراد بسیاری محب قرآن، اهل تلاوت، حفظ و تحقیق در قرآن هستند، ولی به نقطه‌ی تبعیت نرسیده‌اند.

کسانی که تبعیت می‌کنند، خیلی کم هستند. همان‌طور که شاکران، اندکند: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي الشُّكُورُ»؛ [۵] ای خاندان داوود، سپاس به جای آرید، اندکی از بندگان من سپاسگزارند. شکر نعمت قرآن، تبعیت از آن است. این عظیم‌ترین نعمتی است که خدای متعال به بشر عنایت کرده است. تبعیت همان مقام تشییع است که مقام فوق‌العاده والایی است. هدف این است که انسان به مقام تشییع و تبعیت برسد؛ خواه در مورد قرآن صامت باشد، خواه در مورد قرآن ناطق.

می‌شود و آن اینکه پیامبران: «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» [۸] در کارهای نیک شتاب می‌ورزیدند» و «يَدْعُونَنا رَغْباً وَ رَهْباً» [۹] و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند» و «كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» [۱۰] در برابر ما فروتن بودند». با این سه ویژگی می‌توانید بندگان برگزیده را بشناسید.

۱. سرعت در کار خیر

مسارعت در خیر، یعنی فرصت‌شناسی، لحظه‌شناسی، معطل نشدن و شتاب گرفتن در امور خیر. همه‌ی سلسله‌ی جلیله‌ی انبیای الهی در کار خیر سرعت داشتند و شتابنده بودند و تنبل، کسل، وارفته، نشسته و قاعد نبودند. در خیر زرنگ و ایستاده و فعال و جدی بودند. خیر را هم که همه‌ی ما می‌دانیم که چیست. پس چرا ما معطل و قاعد و نشسته هستیم؟! اینجا

برای من وارث قرار ده. خدا در جواب فرمود: «أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ». رحم پاک و شخصیت متعالی خانم است که می‌تواند امانت را به مقصد برساند؛ چه اینکه امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرموده‌اند: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» [۷] خوشبخت، کسی است که در رحم مادرش خوشبخت شده و بدبخت، کسی است که در رحم مادرش بدبخت شده است». پدر هم نقش دارد؛ اما در جریان شکل‌گیری بنیان‌های شخصیت، همه‌چیز به مادر برمی‌گردد. خدای متعال در واقع به زکریا جواب داده و خانمش را برای آمدن یحیی آماده کرده است. حضرت یحیی (علیه السلام) خیلی خاص است. پس از طرح ماجرای زکریا، یک جمع‌بندی در مورد انبیا تقدیم

است و جلوه‌های آن در جنات و فردوس، متنوع؛ لذا شما همه‌ی خیر را می‌خواهید تا بتوانید از همه‌ی درهای بهشت وارد شوید. خوش به سعادت کسی که از همه‌ی درها به بهشت ورود داشته و در هر مرتبه‌ای از آن امکان حضور داشته باشد؛ هم در باب المصلین، هم در باب المنفقین، هم در باب المجاهدین و... [۱۱] جالب است که دست خیرات دنیا و آخرت، در دست هم است و از هر خیری در دنیا نصیب ببرید، از ما به ازای آن در آخرت هم بهره‌مند می‌شوید.

مؤمن هوشیار، به تبعیت از انبیای الهی، فرصت نفس کشیدن در دنیا را برای بار یافتن به مقام خیر و مسارعت در خیر استفاده می‌کند و حتی به این بسنده نمی‌کند و پس از مسارعت در خیر، سبقت در خیر

جای ایستادن و نشاط و سرعت است. در قرآن کریم بیان «الْخَيْرَاتِ» آمده و به یک خیر اکتفا نشده است. شما در دعای ماه رجب می‌گویید: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ»؛ یعنی همه‌ی خیر را از تو می‌خواهم و خیری نباید باشد، مگر من به آن ورود کرده باشم. در ادامه‌ی دعای ماه رجب می‌گویید: «أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ»؛ همه‌ی خیر دنیا و همه‌ی خیر آخرت را از تو می‌خواهم و هیچ خیری نباید جا بماند. از آن طرف در مورد شر می‌گویید: «وَ أَصْرَفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ»؛ همه‌ی شرهای دنیا و شر آخرت را از من دور گردان. می‌گویند در آخرت، شریکی بیشتر نیست و آن هم دور افتادن از رحمت الهی است. مراتب قرب، متکثر

سبقت در خیر داشته باشی. قرآن هم می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»؛ [۱۳]

بگو: اگر دعای شما نباشد،

پروردگارم هیچ اعتنایی به شما

نمی‌کند». باید به جایی برسی

که بگویی من می‌آیم، اما به

امید آنکه تو مرا ببری؛ وگرنه

آمدن من به درد نمی‌خورد،

حتی اگر از همه‌ی ابواب خیر

وارد شوم. چشم مؤمن به کرم

مولا است؛ پس راغب است و

چشمش که به خودش می‌افتد

- چه به دعای خودش و چه

به عملش - می‌گوید: وای بر

من؛ پس راهب است. اینجا

ترس او را فرامی‌گیرد که من

با این خیرات و اعمال و افکار

می‌خواهم به کجا برسم؟!

مؤمن، یک قدمش رغبت و یک

قدمش رهبت است؛ یک قدمش

رجا و یک قدمش خوف است.

می‌گیرد که فرمود: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»؛ [۱۲] در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جویید».

پس ویژگی اول سلسله‌ی انبیا

این است که در خیرات، سرعت

داشتند و به‌صورت جدی و

بانشاط، عازم تمام ابواب خیر

بودند. این ویژگی پیامبران

را از خدای متعال بخواهید.

۲. ستایش و نیایش با خداوند

ویژگی دوم پیامبران، این است

که اهل دعا هستند. وقتی کسی

اهل دعا می‌شود که به مقام

فقر نائل شده باشد. هر مقدار

که شما از مقام فقر سهم برده

باشید، به همان میزان، زبان سر

و عقل و دل شما به دعا گشوده

می‌شود. این مرتبه آن‌قدر

اهمیت دارد که مولا فرمود: اگر

به این مقام نرسی، به تو نگاه

هم نمی‌کنند، هرچند سرعت و

۳. فروتنی

اما ویژگی سوم پیامبران، «وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» [۱۴] و در برابر ما فروتن بودند.

اینجا خدای متعال پز می‌دهد. این انسان‌ها فروتن و خاکسار هستند و در وجودشان هیچ من و نیم من و ادعایی وجود ندارد؛ سلم و تسلیم و تابع هستند. یکی از اهل راز در مراتبی که داشت، دو فرشته‌ی الهی را دید که گفتند: ما می‌خواهیم مقام فناء فی الله را به تو نشان دهیم. این آقا که از سالکان اهل اصطلاح نبود و سالک فطری بود، پرسید:

فناء فی الله یعنی چه؟! به او گفتند: دو جمله است؛ اول اینکه جز از ناحیه‌ی او چیزی نگویی یعنی ادعا فهم و کمال و... را کنار بگذاری و فقط ببینی او چه می‌گوید. دوم اینکه جز او چیزی نخواهی. آن سالک گفته

بود: من یک ربع یا بیست دقیقه در فکر بودم که اینها چه گفتند. بعد از مدتی سکوت سر خود را بلند کرده و به این دو فرشته‌ی نازنین می‌گوید: خب، بعد از آنچه؟ به او گفتند: بقیه‌اش قیل و قال است و خبری نیست! خدای متعال وقتی می‌خواهد نماز مؤمنان را برای ما توصیف کند، می‌گوید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» [۱۵] همانان که در نمازشان فروتنند». خشوع همان نقطه‌ای است که فکر و دل تسلیم و مهیای امر است.

رابطه‌ی خشوع و تبعیت

خدای متعال کل احوالات انبیا را در همین سه جمله بیان نموده است. خشوع، شما را به مقام تبعیت مطلق می‌برد؛ چراکه دیگر از خودت، حرف و ادعایی نداری. آنجا است که بارش

علی ابن ابیطالب، به دیدار انوار الهی است، می‌نشیند. پاسخ فرمودند: وقت دیدار نیست. حسب روایت، چهل بار این مراجعه تکرار شد تا آنکه آنها ناله‌ای زدند و گفتند: ما بیچاره شدیم، به امام رضا بگو ما را رسوا کردید، با چه رویی به وطن خود برگردیم؟! خادم حضرت، پیام آنان را به امام رساند. آقا دستور داد تشریف‌فرما شوند. وقتی داخل رفتند، حضرت با آنها خیلی سنگین برخورد کرد و در روایت است که آقا از جایشان بلند نشدند. خیلی به آنها سخت گذشت. عرضه داشتند: مگر ما چه گناهی کرده‌ایم که رؤوف اهل بیت ما را تحویل نمی‌گیرد و این قدر سنگین با ما برخورد می‌کند؟ حضرت فرمودند: شما ادعایی کردید که خیلی بزرگ است! شما می‌دانید که شیعیان

بهاری آیات الهی که همین انوار الهی است، می‌نشیند. شخصی به یکی از بزرگان گفته بود: مرا نصیحت و موعظه فرمایید؟ آن شخص بزرگ فقط نگاه می‌کرد و سکوت کرده بود. جلسه به هم خورد، گفتند: آقا شما هیچ نگفتید! گفت: به من نگفتند تا بگویم! من به این آقا نگاه می‌کنم و می‌بینم گوش‌های او صاف است، یعنی بسته است و قصد تبعیت ندارد. اگر قصد تبعیت کردی، در مقام استماع و تسلیم قرار می‌گیری و هر مقدار در مقام تبعیت پیش بروی، به مقام تشییع نزدیک‌تر می‌شوی تا آنکه به شخصیتی نظیر ابوذر و سلمان تبدیل شوی.

عده‌ای خدمت حضرت رضا (علیه السلام) آمدند و به خادم حضرت گفتند: «نَحْنُ شِيعَه

رعایت پیمان‌ها، یکی از نشانه‌های تبعیت از قرآن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» [۱۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید». اگر ما فقط به همین فرمان قرآنی عمل کنیم، آثار فراوانی برای شخص خودمان و جامعه‌ی ما دارد. این دستور، یعنی رعایت پیمان، تبعیت می‌خواهد. «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون» [۱۸] به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم و فقط از من بترسید». کلمه‌ی وفا به معنای پر کردن پیمان و پیمان‌هاست؛ یعنی چیزی کم نگذاری. امان از کم گذاشتن‌ها در عهد رفاقت و عهد زوجیت و عهد پدری و عهد فرزندی و عهد اجاره و... همه‌ی اینها پیمان‌های خدا است که از طریق بنده‌های خدا جلوی شما صف کشیده است. اگر در

حسین چه کسانی هستند؟ «إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (علیه السلام)، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ عَمَّارٌ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ» [۱۶] شیعه امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، فقط حسن و حسین و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی‌بکر هستند». بعد آنها گفتند: ما جزء دوست‌داران حضرت هستیم. آن زمان بود که حضرت آنها را تحویل گرفتند و سلام و روبوسی و... و حتی به آنها هدیه دادند و گفتند: سلام برسازید و حتی به خادم خود فرمودند: چهل بار از در بیرون برو و باز وارد شو و بر اینها سلام کن. این روایت از حقیقت مقام تشییع پرده‌برداری می‌کند.

که موعظه و شفا و هدایت و رحمت است، همانجا که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُم مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ [۲۰] ای مردم، به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌ها است و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است». قرآن موعظه است، یعنی بیدار می‌کند و امکان ندارد جانت را به قرآن بدهی و تو را بیدار نکند. غفلت‌زدایی کار اول قرآن کریم است. کار دوم قرآن شفا بخشی در پستوی شخصیت شما است. برخی از بیماری‌ها مربوط به منطقه‌ی عمیق شخصیت شما می‌شود که از آن به صدر تعبیر می‌شود. این بیماری‌ها در تمام مراتب شخصیت تسری پیدا می‌کند و کل وجود انسان را آلوده می‌سازد.

این پیمان‌ها کم بگذاری، برایت کم می‌گذارند؛ چرا که قرآن گفته است: «وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ»؛ [۱۹] وای بر کم‌فروشان». اگر کاری را انجام می‌دهی، وجدانی و عاشقانه و دقیق و متقن قرار بده و از کمیت و کیفیت و مضمون قراردادهای خودت نزن. اگر به همین فرمان قرآنی عمل کنیم، خانواده و جامعه‌ی ما تغییر می‌کند. بیشتر جامعه‌ی ما یا حتی همه‌ی جامعه‌ی ما اگر حافظ قرآن باشند، باز هم آن قرائتی که در قیامت رتبه می‌دهد، تبعیت است.

هدایت و شفای حقیقی در قرآن است

«وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ». قرآن کریم شفا است. خود قرآن کریم هم تصریح کرده

بر قلب مؤمن است و در واقع «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» [۲۱] از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود» است.

نکته‌ای از زیارت رجبیه

در سفر اخیر که محضر حضرت نائب الزیاره‌ی شما بودیم، در یک مرحله تشرّف پیدا کردم و ذکرم این بود: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» [۲۲] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید. راستی، چه نیکو است فرجام آن سرای». این عبارت در زیارت رجبیه نیز آمده است. به برخی دوستان می‌گفتم که حق است انسان فقط به خاطر درک مغز این متن پرفروغ که هدیه‌ی حضرت صاحب العصر و الزمان است، شدّ رحال کند (آماده‌ی سفر شود) و خود را به حرم برساند. این زیارت

قرآن شفا است و پس از غفلت‌زدایی، گرفتاری‌ها را پیدا می‌کند و بعد هم بر اساس **طب القرآن**، آنها را شفا می‌دهد. قرآن عیب‌ها، آسیب‌ها، ارجاس و انجاس را از شخصیت شما دور می‌کند. البته تا اینجا همه‌ی مراحل مقدمه است. قرآن موعظه است، یعنی شما را بیدار می‌کند و سپس موانع را برطرف می‌سازد و تازه شما آماده شده‌ای تا هدایت شوی.

بزرگان می‌گویند در سلسله‌ی مقامات، مرحله‌ی تخلیه و تزکیه و تجلیه داریم. دو مرحله‌ی موعظه و شفا برای تخلیه است و مرحله‌ی هدایت برای تزکیه، و مرحله‌ی رحمت برای تجلیه است. این هدایت خاص که دست شما را می‌گیرد، شما را به کجاها می‌برد؟! آن رحمت، درخشش نام مقدس الرحیم

ائمه (علیهم السلام) به مقام صبر در ولایت الهیه برسد، این سلام برای او نیز بازتاب خواهد داشت.

این تا پشت در ضریح مطهر بود، اما از آنجا به بعد بیان می‌شود: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». سوره‌ی مبارکه‌ی یَسُّ نَسَبٌ وِیْزَه‌ای با حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه آلف التحیه و الثنا) دارد. چنانچه به حرم رضوی مشرف شدید، با آن سوره انس داشته باشید.

انعکاس اسم «الرحیم» خداوند در قرآن

رحمت بودن قرآن کریم، طلوع اسم مقدس «الرحیم» بر قلب مؤمن است که همان مقام فنا است که در مورد آن صحبت‌ها کرده‌اند. اینها همه هنر قرآن کریم است و ببینید از کجا و برای

را در جاهای دیگر هم می‌شود به قصد رجا خواند، اما در واقع برای داخل حرم است که می‌گویید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدًا أَوْلِيَانِيهِ؛ سپاس خدا را که ما را در ماه رجب در محضر اولیانش حاضر کرد» و این همان حرم ولی خدا است. بعد می‌گویید: «اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ...؛ خدایا! چنان‌که ما را به محضر ایشان حاضر نمودی...» و سپس درخواست‌های خود را مطرح می‌کنید. آنجا دارد که این‌گونه به حضرات سلام کنید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید.

راستی، چه نیکو است فرجام آن سرای». همه‌ی روزه‌ها و مقاتل ائمه (علیهم السلام)، به‌خصوص روزه‌ی سرور و سالار شهیدان، در همین کلمه‌ی «بِمَا صَبَرْتُمْ» وجود دارد. هر کس از دوستان

هنر قرآن این است که انسان را بیدار می‌کند و وقتی بیدار شد، شفاخواه می‌شود. «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ»؛ [۲۳] برای دردها و بیماری‌های خود از قرآن شفا بگیرید. دیده‌اید که در مورد برخی سرطان‌ها می‌گویند ریشه پیدا کرده و باید شیمی‌درمانی و پرتودرمانی شود تا ببینیم چه می‌شود کرد. درد وقتی به صدر رسیده باشد، یعنی ریشه پیدا کرده و در این صورت فقط طب القرآن است که پاسخ می‌دهد.

وقتی شفا پیدا کردی، فصل شکفتن و رشد و تعالی آغاز می‌شود و گل فطرت تو می‌شکفتد و ان‌شاءالله به بار می‌نشیند و آن وقت نوبت طلوع حضرت رحیم است. اینکه آن، چه مرتبه و چه اتفاق و چه شاهد و چه حلاوتی است، من نمی‌دانم که گفته‌اند: چه داند آن که اشتر می‌چراند!

چه کارهایی آمده است. در این مبعث شریف و سید اللطیف و عنصر العفیف، چه مهمانی برای شما آمده است؟! این تعابیر را در مورد شب مبعث داریم. قرآن با چه مقدمات، تشریفات و برنامه‌هایی و در چه سلسله‌مراتبی آمده است. از ازل الازل حرکت کرده و با تشریفات خاصی به دست من و شما رسیده است.

این قرآن اولاً موعظه است و آمده تا ما را بیدار کند و بعد از غفلت‌زدایی، علت شفا است. وقتی کمی خودت را به تو نشان بدهند، آن وقت است که ناله‌ها برمی‌خیزد. تصور کنید که کسی بیهوش بوده و با دشنه‌ها به او ضربه‌ها زده باشند؛ تا زمانی که بیهوش است، خبر ندارد. وقتی به هوش آید، تازه متوجه می‌شود که چه خبر است و تازه درد به سراغ او می‌آید.

مآخذ و منابع

- قرآن با دست پر به این دنیا آمده است. ابتدا با یک نزول دفعی و سپس در طول ۲۳ سال با تشریفات و شأن نزول، جاری شده و به لسان عربی مبین نوشته شده و در دست من و شما قرار گرفته است. حال باید ببینیم شکر می‌کنیم یا کفران. شکر قرآن کریم، تبعیت از آن است. باید از محکمت تبعیت کرد تا اسرار متشابهات عنداللزوم بر شما آشکار شود.
- [۱]. آل عمران: ۳۱.
- [۲]. همان: ۱۴۶.
- [۳]. همان: ۱۵۹.
- [۴]. ورام ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، ص ۳۴۷.
- [۵]. سبأ: ۱۳.
- [۶]. انبیاء: ۹۰.
- [۷]. شیخ صدوق، توحید، ص ۳۵۶.
- [۸]. انبیاء: ۹۰.
- [۹]. همان.
- [۱۰]. همان.
- [۱۱]. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی درهای بهشت و تعداد آن، ر.ک: شیخ صدوق، خصال، باب السبعه.

[۱۲]. مائده: ۴۸



[۱۳]. فرقان: ۷۷

[۱۴]. انبیاء: ۹۰.

[۱۵]. مؤمنون: ۲.

[۱۶]. شیخ عباس قمی، سفینه البحار،
ج ۴، ص ۵۵۱.

[۱۷]. مائده: ۱.

[۱۸]. بقره: ۴۰.

[۱۹]. مطفین: ۱.

[۲۰]. یونس: ۵۷.

[۲۱]. یس: ۵۸.

[۲۲]. رعد: ۲۴.

[۲۳]. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر